

دکتر علی محمد پشت دار*
استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه پیام نور، مرکز تهران
افسانه عظیمی**
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه پیام نور، مرکز تهران

فصلنامه مطالعات شبه قاره
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۰
(صص ۶۴-۴۷)

نقد و تحلیل نسخه خطی منشآت محمد شاه بهمنی

چکیده

منشآت نویسی یا نامه نگاری که در قدیم به آن ترسل نیز می گفته اند از لوازم مهم در امور دیوانی (دولتی) حاکمان و فرمانروایان بزرگ و محلی به شمار می رفته و به عنوان یکی از فنون نویسندگی در گستره ی فرهنگ و ادب فارسی، جایگاه ویژه ای داشته و سابقه ی دیرینه ای دارد.

با نفوذ زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره و حمایت بی دریغ پادشاهان هند از نویسندگان و شاعران فارسی زبان، آثار فراوانی به زبان فارسی در آن سرزمین تحریر شد؛ از جمله منشآت نویسی فارسی به گونه ای چشم گیر مورد توجه ادیبان و منشیان قرار گرفت. سبک این آثار بیشتر مصنوع، همراه با سجع، آراسته به صنایع لفظی و معنوی، استفاده از اشعار فارسی و عربی در ضمن نثر، می باشد.

* Email: Am.Poshtdar@gmail.com

**Email: Afsaneh1340@yahoo.com

اثر حاضر از مولفی گم‌نام در قرن یازدهم است و تنها نسخه‌ی آن به شماره‌ی ۱۶۱۷۰ در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که نگارنده تلاش نموده این اثر را با روش قیاسی تصحیح نماید.

بعد از بررسی‌ها مشخص گردید که این اثر نیز دارای خصوصیاتِ همچون دیگر آثار منشیانه می‌باشد از جمله: دارای ۱۲۹ آیه‌ی قرآنی، ۳۱۹ بیت فارسی، ۱۷۳ بیت عربی است و نیز بسامد بالای آرایه‌های: تشبیه، سجع، کنایه، جناس، استعاره، تضاد و مراعات‌نظیر در این اثر درخور توجه است. همچنین تنیدگی نوشته‌های متن با آیات، اشعار و امثال از دیگر محاسن این اثر می‌باشد.

کلید واژه‌ها: نسخه خطی، منشآت، سلطان محمدشاه بهمنی، محمود گجراتی

مقدمه

مهاجرت بسیاری از شاعران، نویسندگان و بزرگان ادبی به شبه قاره‌ی هند این ضرورت را پیش می‌آورد که درباره‌ی جاذبه‌های طبیعی هند که باعث جذب این بزرگان در آن سرزمین شده و از دلایل این مهاجرت‌ها بوده، نکاتی از قول محققان و نویسندگانی که در این عرصه قلم زده‌اند، بیان گردد.

«اگرچه در تعریف و توصیف هند به نظم و نثر سخن‌ها گفته‌اند، ذکر نکته‌ای چند را که در جذب مهاجر و جلب مسافر بی‌اثر نبوده است لازم می‌دانم. امین احمد رازی می‌نویسد: مخفی‌نماند که هندوستان مملکتی است در غایت طول و عرض، ... چندان خوبی که در آن دیار است، در هیچ مملکتی نیست». مطلب دیگر ثروت بی‌حساب آن سرزمین بوده است، به خصوص خزاین موفور و غنایم نامحسوری که سلاطین تیموری به پایمردی و جلادت سرداران و سپاهیان ایرانی و غیره در کشورگشایی‌ها و گرفتن قلاع بی‌شمار از فرمانروایان محلی و زمین‌داران بزرگ و رایان و راجگان هندو که اسلافشان عمرها سعی در جمع آن کرده بودند به چنگ آوردند.» (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۲۴ - ۲۳).

از جمله اماکن آباد هند گجرات می باشد و نگارش چند منشور این نسخه در آن مکان، بیانگر حضور فارسی زبانان و ادیبانی بوده که در آن سرزمین به سر می برده اند. محلی آبادان که شاید یکی از دلایل اسکان مهاجران ایرانی بوده و در ذکر آبادانی و وفور نعمت گجرات در کتاب مرآت احمدی چنین آمده: «هوایش نزدیک به اعتدال مگر در بعضی امکنه که بر ساحل دریای شور است، تغییری دارد. اهل بلاد همه نمکین و نازنین که در دیدن، جان می ستانند. همه جنس غله برفور. برنج برفور و نیکو به عمل می آید. گرمه و هندوانه که بر کنار رودها، بارها کارند به زمستان و تابستان در هر فصل دو ماه، به وفور می شود.» (بهادر، ۱۹۲۸م: ۱۴ - ۱۳)

روابط ایران و هند و وضعیت زبان فارسی در هند:

روابط دو کشور ایران و هند قدمت بسیار طولانی دارد و فقط محدود به مهاجرت شاعران و بزرگان در عصر صفوی یا بعد از حمله مغول نمی باشد. «پیوند تاریخ و ادیان و زبانهای هندی با تاریخ و ادیان زبانهای ایرانی نیازی به توضیح ندارد، لکن به علت درازی تاریخ دو ملت و نشیب و فرازهای حوادث و جنگها و هجوم اقوام خارجی و استعمار، شناخت دو ملت از یکدیگر با آن که از قوم واحدی منشعب شده اند چنان که باید و شاید حاصل نشده است. از روزگاران کهن جاذبه های هند و شناسایی ادیان و اندیشه های آن مورد توجه ایرانیان بوده است چنانکه در زمان ساسانیان، برزویه به هند رفت و کتاب کلیله و دمنه را به ارمغان آورد و در سده پنجم هجری ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ ه. ق) چندین سال از عمر خود را در هند گذرانید و پس از آشنایی با زبان سانسکریت و اندیشه ها و آداب و رسوم هندی کتاب بی نظیر ماللهند را تألیف کرد که تا قرون جدید یکی از مراجع مهم هندشناسی بوده است.» (رنو لویی، ۱۳۸۰: پیش گفتار)

«در سال ۳۰ ه، شاهنشاهی ساسانی ایران منقرض شد و حکومت مسلمانان جانشین آن شد. پس از انقراض سلطنت، پیروان مذهب زرتشت خود را نایمن پنداشتند و برای حفظ و بقای مراسم دینی خود نگران بودند، لذا دسته جمعی از ایران به هندوستان هجرت

نمودند و در گجرات اقامت گزیدند. پس از همدتی با زیرکی و زحمت کشی، در جهان علمی و بازرگانی و سیاسی آوازه‌شان بلند شد.

می توان گفت زرتشتی‌ها، نخستین مردمی می‌باشند که فارسی را به هند وارد کردند. در زمان اکبرشاه، زرتشتی‌ها از حیث گروه مذهبی معروفیت داشتند. (ظهور الدین، ۱۳۷۸: ۹)

اشتراک فرهنگی بین دو کشور، همواره باعث کشش متقابل ادب دوستان و هنرمندان، به فرهنگ کشور مقابل می‌شده و در این میان، استقبال پادشاهان نقش عمده‌ای ایفا می‌کرده است. از جمله «گورکانیان هند مانند نیاکانشان به زبان و ادب فارسی و هنر و فرهنگ ایرانی عشق می‌ورزیدند و دربارهایشان را به وجود گروهی بزرگ از شاعران پارسی‌گوی و پارسی‌نویسان و فرهنگ دانان ایرانی می‌آراستند.

ظهیرالدین بابر از سال ۹۳۲ هـ تا ۹۳۷ هـ تمام بخش‌های شمالی هند را از رود سند تا بنگاله تصرف کرد. هم زمان با این کوشش سلسله‌های متعددی از پادشاهان مسلمان در شبه قاره‌ی هند حکومت می‌کردند که در دستگاه‌های امارت همگی آنان، زبان و ادب فارسی، رسمی بود و مردان سیاست و فرهنگ ایرانی بر سر کارها بوده و زمام امور را در دست داشتند و به ویژه در این اوان تا چند مدتی از عهد گورکانیان هند، نباید از اهمیت سلسله‌های پادشاهان دکن که محل اجتماع بسیاری از بزرگان علم و ادب و سیاست ایرانی بوده است غافل ماند. دوره‌ی پادشاهی گورکانیان هند عهد اعتلا و نفوذ فرهنگ ایرانی و رواج بی‌چون و چرای زبان و ادب فارسی در سراسر شبه قاره‌ی هند بود و این رواج و نفوذ خاصه با استقرار سلطنت همایون بعد از بازگشت از ایران مسلم و پابرجای گردید» (صفا، ۱۳۷۹ جلد ۵: ۴۸ - ۴۶)

«شبللی پنجاه و یک نفر را نام می‌برد که در زمان اکبر از ایران به هندوستان آمدند و در دربار او راه یافتند.» (ادوار براون، ۱۳۷۵، جلد ۳: ۱۷۴)

«همواره عده‌ی نویسندگان و شاعران فارسی‌زبان که در هند می‌زیستند بیش از شماره‌ی کسانی بود که در ایران بودند.» (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۲۴-۲۳).

منشآت نویسی در هند

از آن‌جا که نسخه‌ی حاضر یک منشآت نوشته شده در هند می‌باشد، در این بخش، از چند منشآت فارسی دیگر که در شبه قاره تحریر یافته و نیز درباره‌ی سابقه‌ی منشآت نویسی در هند مطالبی عرضه می‌گردد.

«ویژگی کلی نامه‌های نگارش یافته در هند آن است که «در مناشیر و مکاتیب، که رجال هند به رجال ایران نوشته‌اند و در سفینه‌ها یافت می‌شود، معلوم است که نویسنده‌ی مقیم هند بیشتر می‌خواهد اظهار فضل کند و کمتر مطلب بیان کردنی دارد. و کلماتی مناسب فضل فروشی خود به دست آورده است نه مناسب مطلبی که باید بنویسد.» (بهار، ۱۳۷۰: جلد ۳: ۲۵۳)

«برخی منشآت در شبه قاره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از جمله اعجاز خسروی تألیف امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ ه) که مشتمل بر قواعد نه‌گانه‌ی نثر فارسی و نامه‌هاست که برخی آن را اولین نمونه منشآت فارسی در هند به حساب آورده‌اند.

فقط در کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ حیدرآباد بالغ بر دویست و هفتاد نسخه از منشآت وجود دارد که بیشتر آن‌ها کتاب‌هایی است که در هند نوشته شده. از این کتاب‌خانه‌ها و فهرست‌ها در شبه قاره هزاران است که حاوی منشآت فارسی در دوران رواج فارسی در این سرزمین وسیع است.» (رادفر، ۱۳۸۲: ۶۰ - ۵۸).

اهمیت و ضرورت تصحیح منشآت

یکی از بخش‌های مهم در عرصه‌ی نثر ادبی، منشآت نویسی است که در بردارنده‌ی اطلاعات مختلف بوده و از منابع مفید و ارزنده در تحقیقات: تاریخی، اجتماعی، ادبی، فرهنگی، دینی، سیاسی و ... به شمار می‌رود.

ویژگی‌های کلی نسخه‌ی حاضر

این نسخه مانند بسیاری از منشآت دیگر دارای ویژگی‌ها و اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف بوده که سعی می‌شود به اختصار به برخی موارد اشاره شود.

یکی از ویژگی‌های این اثر نیز، کاربرد فراوان اشعار فارسی و عربی در آن است و اختلاف کلماتی که بین ابیات این نسخه و نسخه‌های مشهور در ایران وجود دارد، از محل‌های قابل تأمل است؛ زیرا به نظر نگارنده گاه کلمات به کار برده شده در این نسخه بر نسخه‌های رایج در ایران برتری دارد.

بررسی این اثر از نظر سبک بیان، نوع کاربرد کلمه‌ها و عبارت‌ها، تشبیهات، استعارات، کنایات و ... اطلاعاتی درباره منشآت نویسی در شبه‌قاره‌ی هند در اختیار ما قرار می‌دهد.

از دیگر ویژگی‌های ادبی این نسخه، استفاده از تمام شیوه‌ها و شگردهای نویسندگی مانند: پرداخت زیبا، بهره‌وری ماهرانه و زیرکانه از شعر و ابزار شعری، ایجاد تناسب بین اقوال خود مؤلف و اقوال ذکر شده از دیگران، رنگارنگی الفاظ، طرح مسائل تربیتی در قالب ادبی و ... می‌باشد که تمام این موارد در قالبی آراسته و فنی ریخته شده و با آهنگ و سازواری خاصی در ذهن و ذوق ادب‌دوستان می‌نشیند.

گاه این آهنگینی سبک گلستان سعدی و بهارستان جامی را در ذهن تداعی می‌کند. و در مواردی اندک سبک بینابین بیهقی را به یاد می‌آورد.

البته این اثر مانند تمام آثار فنی از ایرادهای خاص این سبک به دور نبوده است از جمله اطناب‌هایی که در بیان کلام دیده می‌شود خواننده را دچار خستگی و حتی سردرگمی می‌نماید. و در بسیاری موارد، در ترکیب الفاظ غامض و ناهنجار عربی، استفاده از آیات و عبارات دعایی و مدحی عربی، تشبیهات فراوان، عبارت پردازی‌های سنگین و سجع‌سازی چنان افراط و زیاده‌روی شده که مطلب اصلی در لفافه‌ی مقامه- نویسی و شاید فضل فروشی گم شده و این امر در مواردی فهم مطالب را بسیار دشوار ساخته است.

اهمیت جغرافیایی این اثر نیز قابل ذکر است؛ به خصوص برای محققان و علاقه‌مندان به مطالعه‌ی اماکن محلی هند می‌تواند مفید واقع شود: «فتح قلاع سنگسیر که هر یک از غایت ارتفاع و نهایت اتساع همسر حصار سپهر است» (ص ۶)

اطلاعات سیاسی و تاریخی نیز در لابه‌لای نامه‌ها دیده می‌شود وجود نام اشخاص، اماکن و روابط و حوادثی که واقع شده برای تاریخ نویسانی که در زمینه‌ی تاریخ محلی هند مطالعه می‌نمایند خالی از فایده نیست: «اگرچه قبل از این، درج فتح بیجانکر، به مفتاح تدابیر بشر مفتوح نگشته است ... و دره‌ی تملیکش به الماس رای سلاطین ماضی مقرب نبوده ... اما به نیروی عجز و نیاز ... عن‌قریب دارالحرب بیجانکر با اصقاع بنادر بحر و بقاع و بلاد نجوم تعداد برش، مسیر و مقرّ حشم فتح اثر اسلام گردد.»

اطلاعات دینی: در اکثر نامه‌هایی که در مورد گزارش جنگ می‌باشد، هدف این لشکرکشی‌ها قلع و قمع کفار و اهتزاز پرچم اسلام ذکر شده است و نیز ادعیه‌ی پایالامع‌ها بیانگر اعتقاد به مشیت الهی، گسترش اسلام و نمایشگر فضای مذهبی آن دوران می‌باشد، که در ویژگی‌های محتوایی توضیح داده شده است:

«لشکر خاصه را با تمام ملوک و ... جهت رفع آثار شرک و کفر از آن ممر روان کرده

آمد». (ص ۶۷)

اطلاعات اجتماعی: بیان اهداف جنگی و وجود غرامت جنگی، اطلاعاتی درباره‌ی قوانین لشکر در اختیار ما قرار می‌دهد: «چون فسده‌ی ملاعین نزد ملوک و خوانین متردّد آمدند و به ضرورت این محب بر وفق خاطر ملوک، سلوک نموده، به تسلیم قلعه‌ی متینه‌ی رینکنه و دادن دوازده لک مال و نوا دادن پسر جاکوی مفسد راضی شدند» (ص ۲۲)

اطلاعات تربیتی و فرهنگی: در مواردی که نامه‌ها مربوط به پند و اندرز می‌شود سبک بیان قابوس‌نامه در ذهن خواننده تداعی می‌شود. نامه‌هایی که هم‌محتوای قابوس‌نامه است و بازگو کننده‌ی روش خردمندانه‌ی زندگی است و در واقع اندرز‌نامه‌ای است از پدری دلسوز برای ارشاد فرزندش: معلوم آن فرزند باد که حصول جد و مراد و اعتناق عروس استحقاق، موقوف به احتمال صنوف مشاق است. و ...

شناسنامه‌ی نسخه

تنها نسخه‌ی موجود این اثر در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۶۱۷۰ نگهداری می‌شود این نسخه‌ی دارای ۳۴۱ صفحه‌ی نوشتاری می‌باشد صفحاتی از ابتدا و

اواسط و انتهای کتاب افتاده است مؤلف آن نامعلوم است و در مورد کاتب در صفحه‌ی ۱۶۰ از شخصی به نام استاد کمال صفا به عنوان کاتب نام برده شده: «این صحیفه‌الدعا که اختراع و انشاش به دست استاد کمال صفا منسوج کارخانه‌ی بال است در...» و مشخص ننموده است که وی کاتب کلّ نسخه می باشد یا خیر. در هیچ جای نسخه اثری از امضا یا مهر کاتب دیده نشده.

با توجه به نوع خط، کاغذ و جلد به نظر کارشناسان کتابخانه‌ی مجلس، این اثر مربوط به قرن یازدهم می باشد.

خط این متن، نستعلیق خوانا با مرکب سیاه می باشد. عنوان‌ها با خط تعلیق با مرکب قرمز «شگرف» و با قلم درشت نوشته شده است. نسخه در قطع ۱۴ × ۲۲ بوده و هر صفحه یازده خط دارد. جلد کتاب به رنگ تیماج یک لای قهوه‌ای، کهنه و کاغذها نخودی رنگ، آب دیده - به خصوص ابتدای کتاب - و در مواردی حروف و کلمات ناخواناست.

ویژگی‌های رسم الخطی نسخه

- حروف ب، گ و چ به شیوه‌ی قدیم به صورت ب، ک و ج نوشته شده است بینندگان - بینندگان، پادشاه - پادشاه، جون - چون
- استفاده‌ی زاید و عدم استفاده‌ی مناسب از نقطه در بعضی از حروف که با توجه به غریب بودن بسیاری از واژه‌ها باعث سخت‌خوانی متن گردیده؛ مثلاً در موارد بسیار حرف «د» به صورت «ذ» و یا برعکس نوشته شده است همین طور «ظ» و «ط»: حزان - حزان، برادر - برادر، بدیر - پذیر، حافظ - حافظ، منظور نظر - منظور نظر
- مدّ الف در بسیاری از کلمات نگاشته نشده است: ازان - از آن، بران - بر آن، اتش - آتش
- الف در برخی از واژه‌ها، مانند «است» و «این» افتاده است: خیالست - خیال است

- کلمات بیت و شعر که در ابتدای ابیات نوشته است، اکثراً بدون نقطه می‌باشد: سحر - شعر؛ البته این نگارش در اواسط نسخه که خط تغییر کرده است بسیار کمتر دیده می‌شود.
- در بسیاری از موارد به جای ویرگول از نقطه استفاده شده.
- در کلمات مختوم به های بیان حرکت، نشانه‌ی اضافه و یای نکره به صورت «ء» گاه با کسره و گاه بدون کسره نگاشته شده است: ذره ی اهمال - ذره‌ای اهمال، آیینة جمال - آیینة جمال، دایره ی لوازم - دایره‌ی لوازم و گاه هیچ علامتی وجود ندارد: دیده مهجور - دیده‌ی مهجور
- حرف «ت» در پایان برخی کلمات به صورت «ة» گرد عربی نوشته شده است: حراره ی - حرارت
- کاتب در مواردی که اشتباهی رخ داده بر روی واژه‌ی اشتباه خط کمرنگی کشیده و صحیح آن واژه را در حاشیه یا بالا و پایین خط نوشته است؛ البته چون چند جای نسخه کاتب عوض شده این خط خوردگی‌ها در تمام نسخه یکسان رعایت نشده و در برخی صفحات (۲۹۳ - ۲۸۳) خط خوردگی‌ها بیشتر است.
- عدم رعایت علایم نگارشی، عنوان بندی و پاراگراف بندی
- در صفحات - ۱۸۸ - که معنی کلمات بالا یا پایین آن‌ها نوشته شده - بیشتر واژگان معنی شده جدا نگاشته شده‌اند و ظاهراً بعدها کاتبی دیگر این معانی را اضافه نموده است. مانند بدرستی که، اما «ب» و «را» همچنان سرهم نگاشته شده: ترا، بسخن
- در کلماتی که دو حرف کنار هم مجموعاً سه نقطه دارند، این سه نقطه در یک جا متمرکز و روی هم نگاشته شده که در مواردی خواننده را در خواندن متن دچار مشکل می‌نماید: محثل - مختل، برچس - برجیس
- در موارد معدودی زیر حرف «م» از ویرگول استفاده شده.
- زیر حرف «ی» در برخی موارد از علایمی چون دو نقطه‌ی افقی، الف کوچک و یا هردو استفاده شده است: ی، ی،
- در موارد اندک روی حرف الف دو نقطه نگاشته شده است.

- متن بدون فاصله و پشت سر هم نوشته شده و فقط در مواردی که عنوان نامه ظاهراً عنوان نامه‌ی قبل بوده فضای خالی تقریباً دو سطری دیده می‌شود - که با توجه به موضوع، عنوانی جدا انتخاب گردید که در شیوه‌ی تصحیح توضیح داده شده است.
- زیر حرف «سین» «طبق شیوه‌ی نگارشی برخی نستعلیق نویسان قرون نهم تا سیزدهم» (هروی، همان: ۳۱۰ و ۳۱۷) سه نقطه قرار داده شده است:
- عروس.
- کاتب اشتباهات خود را به چند شکل مشخص نموده است تا از خط خوردگی و کثیفی بیشتر متن جلوگیری کند: ۱- بالای کلماتی که جا به جا نوشته شده‌اند حروف «م» و «خ» را به صورت ریز نوشته است. (ص ۳۰۸).
- ۲- روی واژه‌ی اشتباه خط کشیده و در حاشیه و یا بالای سطر، صحیح آن را نوشته.
- ۳- موارد افتادگی‌ها را با ذکر کردن علامتی شبیه ۷ یا ۲، در بالای کلمه اضافه نموده است و اگر افتادگی‌ها زیاد بوده، با نگاشتن همین علامت، جای آن را مشخص کرده و در حاشیه، افتادگی‌ها را اضافه نموده است.

ویژگی‌های محتوایی

- استفاده از آیات قرآنی
- استفاده از احادیث
- نقل قول از بزرگان ادبی
- استفاده از جملات دعایی در پایان بسیاری از نامه‌ها
- استفاده از اصطلاحات نجوم، حکمت، منطق و ...
- اعتقاد به سعد و نحس بودن افلاک و تاثیر ستارگان در سرنوشت انسان‌ها
- در نامه‌هایی که موضوع آن‌ها گزارش جنگ می‌باشد، بارها بر اهداف مذهبی و رعایت شعایر دینی تاکید شده است:

«چون از عرایض ... بنیان و داد و حسن آثار اولاً از آن طرف سمت ظهور یافته است، می باید که از جهت رعایت شعار اسلام بر حسب مغزای «و ان جَنَحُوا لِّلْسَلْمِ فَاجْنَحِ لَهَا» از این جانب نیز ظاهر و باهر گردد. (ص ۱۹)

«لشکر خاصه را ... جهت فتح قلاع بیجانکر و رفع آثار شرک و کفر از آن ممر روان کرده آمد (ص ۶۷)

- اعتقاد به عنایت و توفیق الهی و استمداد از الطاف الهی برای پیروزی در جنگ‌ها، در اکثر نامه‌هایی که مرتبط با گزارش جنگ می باشد، مشهود است:

«فتح قلاع ... به توفیق کردگار و عنایت پادشاه کامگار و قوت مردان شیرشکار مسخر آمد». «دست امید بر اذیال الطاف حضرت متعال سخت استوار داشته که در ماه شعبان بندر کووه و بواقی بنادر یلتبار منفتح گردد». (ص ۵)

- اشاره به نام اماکن با ذکر توضیحات کوتاه:

فتح قلاع سنگسیر که هر یک از غایت ارتفاع و نهایت اتساع همسر حصار سپهر است. (ص ۵)

- اشاره به نام سران لشکر با ذکر پست و مقام هر یک از آن‌ها:

سران لشکر آن طرف را مثل مهابت خان، حاکم چندیری، و ظهیر الملک وزیر و غیرهما که سران میسره‌ی آن طرف بودند در خاک هلاک انداخته آمد ... و از این طرف شاهین ترک که فی الحقیقه دشمن ملک بود و در قلب لشکر منصوب ... مست و بیهوش گشته.

- تاکید بر دلایل شکست و اعتقاد به حکمت الهی، و این که حتماً حتی برای شکست نیز حکمتی وجود دارد که پیروزی‌های آینده را نوید می دهد و باعث درس عبرت گرفتن و تجهیز و استحکام مبانی حکومت می شود: (ص ۵۰ و ۴۹)

- ارائه‌ی اطلاعات در مورد نحوه‌ی خراج و حتی میزان آن:

به تسلیم قلعه‌ی متینه‌ی رینکنه و دادن دوازده لک مال و نوا دادن پسر جاکوی مفسد راضی شدند. (ص ۲۲)

- اشاره به نام برخی از گزارش دهندگان و یا کاتبان:

«اوضاع هرموز و خراسان بران سان است که از کتابت مولانا عبدالرحمن در مثال شرفحان سمت بیان یافته است». (ص ۳۰)

- فقط در یک مورد اشاره به نام کاتب شده است:
این صحیفه ی الدعا که کسوت اختراع و اثشاش به دست استاد کمال صفا منسوج کارخانه ی بال است در اوایل شوال ملبوس عروس ابلاغ و ارسال گشت.
- در بسیاری از نامه ها که بیشتر محتوای مدحی و دعایی دارند، تاریخ ماه نگارش نامه و در بعضی موارد محل نگارش نیز قید شده است:
«این صحیفه الضراعه در اواخر جمادی الاولی از مداد سویدا سمت تحریر و املا یافت». (ص ۱۰۸)

«این صحیفه ی حاویه الوداد ذاکرة المحبت و الاتحاد، در اوایل شهر عالی قدر رمضان از دارالامان محمداًباد در آن صوب با صولت روان آمد». (ص ۲۸۰)

- هر جا که سخن از ماه رمضان به میان آمده، مؤلف با کلماتی سرشار از احساس و با عناوین مقدسی چون: «رمضان که مصب سحاب غفران است، شهر عالی قدر رمضان، رمضان المعظم، رمضان لازم الفیضان، شهر الله الاصم و بدر اتم» از این ماه پربرکت یاد کرده است.

- احترام به سادات و ذکر القاب محترمانه و اعتقاد به اجابت دعای ایشان و گرایشات مذهبی مختلفی که در جای جای این نامه ها مشهود است، بیانگر این نکته می باشد که فضای آن دوره از هند سرشار از اعتقادات عمیق دینی بوده و خود مؤلف و مخاطبان این نامه ها مسلمانانی معتقد به شمار می رفته اند:

«جناب سلاله ی السادات العظام، المتحلّی بالعلوم الوافر، المتجلّی من ناصیه ذاته لوازم النسبه ی الطاهر، السید الفاضل جمال الدین حسین ... و یقین است که دست دعای سید مشارالیه معانق سدره ی المتهی قبول خواهد بود و مصباح دولت روزافزون در مشکات ملک و زجاجه ی فلک نیلگون به زیت دعای سید مذکور موصوف به صفت «نور علی نور»، و ...». (صص ۲۲۳ و ۲۲۲)

- بیان نکات اخلاقی و تربیتی ارزنده در خلال نامه‌ها: در اکثر این متون اندرزی بر تحصیل علم و ادب و کمالات تاکید شده است:
- «اکنون اگر آن فرزند خواهد که در میان اقران زمان بی مثل و همال باشد یقین است که در تحصیل فنون کمال اهمال نخواهد کرد و اگر در کسب کمال چین ملال بر جبهه‌ی افعال او ظاهر شود، بی‌شبهه رقم عدم اقبال بر صحیفه‌ی حال و مآل خویش کشیده باشد و منجوق رایت عقوق به سمک عیوق رسانیده». (ص ۷۱)
- «معلوم آن فرزند باد که عقل، موقوف علیه جمیع مطالب است؛ و علم موجب وصول به اعلی مراتب؛ و ادب مستلزم کنوز محامد و مناقب؛ و تحصیل فحوای این امور بر ذمت همت و شیمت نهمت طالبان ذروه‌ی سمو رتبت، واجب». (ص ۲۸)
- «ماسک عنان سعادت کسی است که توفیق تحصیل علم و ادب را از حضرت باری جلّ جلاله به تضرّع و زاری خواهان باشد ... و قبول نصایح دوستان عموماً منبع انهار کامکاری داند و تلقی نفع این جانب خصوصاً ماده‌ی مایده‌ی برخورداری». (ص ۲۷)
- اشاره به برخی از وقایع جنگی که در ضمن آن اطلاعاتی در مورد اماکن، اشخاص، اهداف جنگی و غیره یافت می‌شود:
- و در جواب پیام ثانی چنین فرمان شد که عرصه‌ی *الچپور* و *مهوَر* پیش از این به ظلام کفر و ضلال مکدر بود و عرصتین مذکورترین در حیات نرسنکرای از دست تصرف مقدم مهوَر بیرون آورده، به اشدّی لمعات سیوف خورشید نشان و التماع بارقه‌ی سنان حضرت احمدشاهی - نورالله تعالی مرقده - منور آمده است و نرسنکرای مذکور از تغلب مقدم مهوَر به حضرت فیروزشاهی ملتجی گشته بود و آن حضرت به نفس مبارک خویش به جهت اعانت نرسنکرای بر او مهم فرمود. (۵۳-۵۲) و صفحات (۶۸-۶۷) و (۲۲۶-۲۲۵) و ...

نتیجه

تصحیح و احیای نسخ خطی، شناساندن فرهنگ و تمدن کهن به نسل‌های آینده است.

در این کتب اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه‌های مختلف یافت می‌شود که در پیش‌برد زمینه‌های علمی و ادبی موثر است و در قالب‌ها و سبک‌های گوناگونی نگاشته شده‌اند. یکی از این موارد، منشآت نویسی است و اثر حاضر منشآت دیوانی است که مربوط به قرن یازده بوده و در شبه قاره‌ی هند نوشته شده است. از آن جا که این اثر از آثار منشایانه‌ی درباری و دیوانی است، مؤلف در نوشته‌ی خود از انواع صنایع لفظی و معنوی برای آراستن کلام و زیبایی لفظی و ظاهری متن، استفاده نموده است. از پرکاربردترین این صنایع می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- تشبیه، که در بین صنایع معنوی، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است و در بین انواع تشبیه، تشبیه بلیغ اضافی بیشترین تعداد را دارد.

۲- استعاره: که بیشتر استعاره‌ی مکتبه تخیلیه می‌باشد.

۳- سجع ۴- جناس ۵- تضاد ۶- مراعات النظیر و صنایع دیگر، که تعدادشان کمتر از صنایع مذکور است.

از دیگر محاسن این اثر تندیگی و تناسب نوشته‌های متن با آیات، اشعار و امثال بکار برده شده در آن است؛ بطوری که تصور می‌شود شاعر این ابیات را برای همین موضوع خاص سروده است. البته این اثر همچون دیگر منشآت دیوانی از معایب نثر فنی دور نبوده است. از جمله: اطناب، کاربرد کلمات ناآشنای عربی، امثال و اشعار عربی، آیات و ... که باعث دیریاب شدن متن گردیده است.

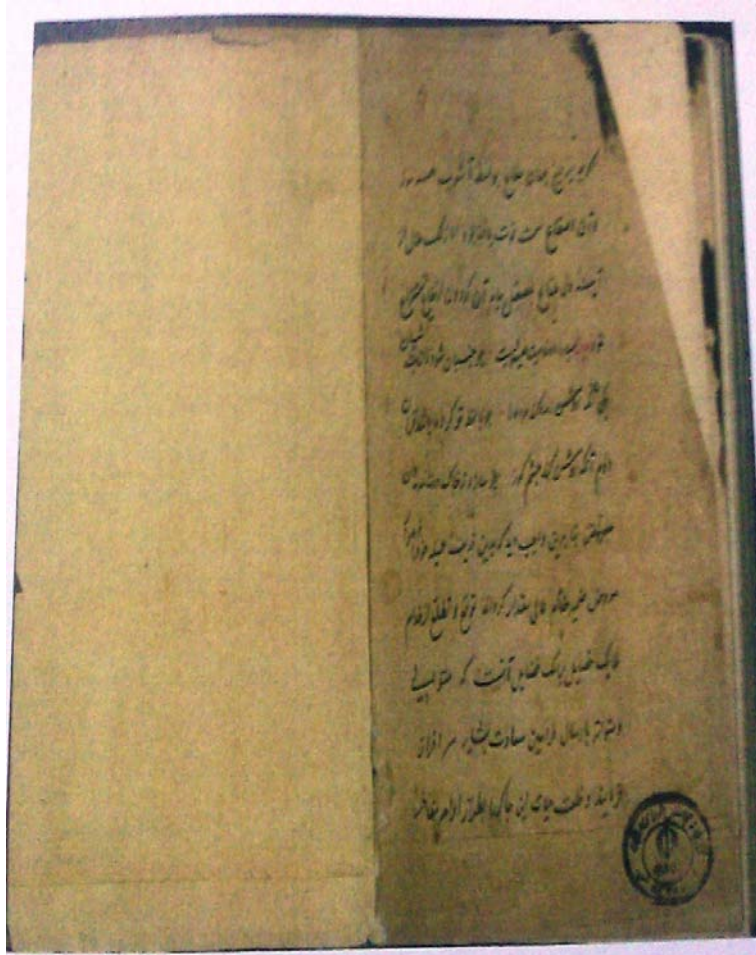
این نوشته علاوه بر مزایای ادبی، می‌تواند در مورد اماکن محلی هند، روابط سیاسی مناطق، حوادث تاریخی آن محل - به خصوص جنگ‌ها - و ... اطلاعات مفیدی در اختیار خوانندگان قرار دهد.

موضوع نامه‌های نگاشته شده که جمعاً شصت و یک نامه است، شامل موارد زیر می‌باشد: ۱- شرح و گزارش جنگ‌ها و مسایل سیاسی ۲- مدایح و نامه‌هایی که فقط برای حفظ روابط درباری نوشته شده و اطلاعات خاصی در آن‌ها وجود ندارد. ۳- نامه‌هایی که شامل موضوعات مختلفی است. مانند: عفو، شفاعت، فراق، اتحاد، شکایت و ... ۴- پند و اندرز نامه‌هایی که سبک قابوس نامه را تداعی می‌کند.

زنده کردن این اثر ما را با ویژگی‌های زبانی، لهجه‌ای، رسم‌الخطی، املائی و دستوری آن خطّه آشنا می‌سازد. در این اثر به ندرت اغلاط املائی دیده می‌شود که نشانه‌ی سواد بالای نویسنده است. تصحیح این اثر ما را با فضای دینی آن محل و اعتقادات مؤلف نیز آشنا می‌سازد

منابع

- ۱- براون، ادوارد (۱۳۷۵) **تاریخ ادبیات ایران**، ترجمه بهرام مقدادی، تهران: مروارید.
- ۲- بهادر، علی محمد خان (۱۹۲۸) **مرآت احمدی**، تصحیح علی ایم سید نواب، کلکته
- ۳- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰) **سبک شناسی**، ج ۳، تهران: امیر کبیر.
- ۴- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۲) **انشاء نویسی در شبه قاره**، فصل نامه‌ی پژوهش‌های ادبی ش ۱ سال اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۵- رنو، لوئی (۱۳۸۰) **ادبیات هند**، ترجمه‌ی سیروس ذکا، تهران: نشر فرزانه روز.
- ۶- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹) **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: فردوسی.
- ۷- ظهور الدین، احمد (۱۳۷۸) **آغاز زبان فارسی در شبه قاره**، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- ۸- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹) **کاروان هند**، مشهد: انتشارات آستان قدس.



صفحه آخر نسخه خطی منشآت محمد شاه بهمنی